

فصلنامه حرفه‌ای (علمی - ترویجی) پژوهان
سال چهاردهم، شماره ۲۲ و ۲۳
بهار و تابستان ۱۴۰۴

جایگاه اصل مدارا در اخلاق اجتماعی اسلام

صفحات ۷۹ - ۷۱

عوض علی میرزایی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاق اجتماعی، اصل رفق و مدارا است. نوشتار پیش‌رو، تلاش می‌کند که این اصل اخلاقی را از منظر اسلام و آیات و روایات مورد بررسی قرار دهد؛ ابتدا واژگان رفق و مدارا را در لغت و منابع اسلامی مورد بحث قرار می‌دهد و آنگاه تعدادی از روایات مربوط به این اصل را گزارش و مختصری توضیح می‌دهد و سپس اصل رفق را در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مورد اشاره قرار داده و ضرورت آن را در جامعه اسلامی به بحث گرفته است.

واژگان کلیدی

رفق، مدارا، اخلاق، آیات و روایات.



درآمد

یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاق اجتماعی در هر جامعه، اصل رفق و مدارا با مردم است، که موجب قوام و دوام مناسبات صحیح اجتماعی و گشاینده مشکلات جامعه است. نرمش و مدارا برای زندگی اجتماعی انسان، ضروری است و افراد یک جامعه، باید همواره رفق و مدارا را به عنوان یک قاعده حاکم بر روابط اجتماعی خویش مد نظر داشته باشند. این ضرورت در کشور ما افغانستان که اقوام و گروه‌های متعددی را در خود جای داده است، بیش از هر مکان دیگر، خودنمایی می‌کند و بسیار لازم است که اقوام و افراد ساکن در این سرزمین اسلامی با رعایت این اصل دینی و اسلامی، زمینه رشد و تعالی کشور را در ابعاد گوناگونش فراهم سازند. چرا که رشد و پیشرفت یک کشور تنها در سایه امنیت و آرامش امکان‌پذیر می‌باشد و آرامش، زمانی تحقق پیدا می‌کند که افراد جامعه نسبت به دیگران گذشت و مدارا داشته باشند و از جنگ، خشونت و ترور شخصیتی و فیزیکی دوری بجویند. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رفق و مدارا را نیمی از زندگی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الرفق نصف العیش» (مطلبی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)؛ مدارا کردن با مردم نیمی از زندگی است.

نوشتار پیش رو، تلاش می‌کند که نقش رفق و مدارا را در زندگی مسالمت‌آمیز مردم یک کشور مورد توجه قرار دهد و دیدگاه آیات و روایات را در این باره به بحث بگذارد.

مفهوم شناسی رفق و مدارا

الف: رفق و مدارا در لغت

۱. رفق

در لغت‌نامه‌های فارسی، رفق به معنای نرمی و ملاحظت و مهربانی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۱۷۹/۸). در لغت عرب برای رفق، معانی چون: کاری را خوب انجام دادن، نرم خویی، میانه‌روی و محکم کاری و دقت در انجام کار بیان شده است (طریحی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۵).

به نظر می‌رسد که معنای اصلی رفق «نرمی و لطافت»، در مقابل «شدت و خشونت» است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۴۹/۵؛ ابن فارس، بی‌تا: ۴۱۸/۲)، و معانی مذکور از لوازم و پیامدهای این معنا می‌باشند (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۸۲/۳). مؤید این ادعا، این است که در منابع روایی ما این واژه در مقابل «خَرَق» به کار رفته است که به معنای انجام کار با شدت و خشونت است. مرحوم فیض کاشانی در باره معنای رفق می‌نویسد: رفق، صفتی است پسندیده که در برابر عنف و شدت است و عنف نتیجه خشم و غضب است. رفق و لینت، از آثار خوش خلقی و سلامت جان می‌باشد (الکاشانی، ۱۴۰۳: ۳۲۲/۵).

۲. مدارا

لغت‌شناسان لغت عرب، مدارا را به معنای ملاطفت، نرمی، ملایمت (دهخد، ۱۳۷۷: ۲۰۵۲۱/۱۳)، و احتیاط گرفته‌اند (طریحی، ۱۴۰۳: ۱۳۶/۱-۱۳۷)، و در برخی از موارد، به معنای حلم و بردباری، لب فرو بستن و سکوت و یا تغافل دانسته‌اند (فلسفی، ۱۳۸۶: ۲۷۳/۱). درباره ریشه آن گفته‌اند: مدارا از ماده «دَری» یا «دَراً» اشتقاق یافته است؛ «دَری» به معنای آگاهی و شناختی است که از راه مقدمات پنهان و غیرمعمول به دست می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۸)؛ به همین دلیل، درباره صید آهو از راه حيله و مقدمات غیرمعمول گفته می‌شود: «دریثُ الطبی» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۲۵۵) و «دَراً» به معنای «دفع کردن» آمده است (ابن فارس، بی‌تا: ۲۷۱/۲؛ ابن منظور، همان؛ طریحی، ۱۴۰۳: ۱۳۷/۱). اگر مدارا از ماده «دَری» باشد با معنای اصلی خویش در «دریثُ الطبی» تناسب دارد، گویی آدمی با تحمّل طرف مخالف و برخورد ملایم با او، وی را در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد؛ و اگر از «دَراً» مشتق باشد به این مناسبت است که آدمی با برخورد ملایم خویش، بدی او را دفع می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱۴). به همین دلیل در روایات، واژه مدارا، بیشتر درباره مخالفان و دشمنان به کار رفته است، برخلاف «رفق» که غالباً درباره موافقان و دوستان کاربرد دارد. (برای نمونه، در این باره در روایات چنین آمده است: «لا تحملوا علی شیعتنا و ارفقوا بهم» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۴/۸)؛ «و أما مخالفون فیکلمهم بالمدارای» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۶/۹؛ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۶۷). البته واژه مدارا گاه در معنایی وسیع به کار می‌رود و هر دو گروه را شامل می‌شود؛ مانند: «أمرنی ربی بمداراة الناس» (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی: ۱۱۷/۲). مرحوم نراقی از علماء اخلاق درباره تفاوت مدارا و رفق می‌یسد: مدارا در معنا نزدیک به رفق است اما در مدارا تحمل آزار مردم است و در رفق نیست.

ب: مقصود از رفق و مدارا در این نوشتار

مدارا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مقصود از مدارا در این نوشتار، «تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پایبندی به اصول خود و به مهربانی رفتار کردن با دیگران» است. طبیعی است که با این نگرش، بحث ما رنگ اخلاقی به خود می‌گیرد و با بحث‌هایی که با حوزه مسائل سیاسی مرتبط است تفاوت پیدا می‌کند.

مفهوم شناسی رفق و مدارا در قرآن و روایات

رفق و مدارا در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان دینی بیشتر با سه واژه «لین» (قرشی: ۲۲۲/۶)، «الرفق» و «مدارا» بیان شده است. (البته برخی واژگان دیگری را نیز بیانگر نرمی و مدارا دانسته‌اند که به نظر می‌آید، قرین به صواب نمی‌باشد). در منابع دینی، این واژگان از نظر مفهومی تقریباً در همان معنای لغوی رفق و مدارا به کار رفته است. خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌رmaid: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»



(آل عمران: ۱۵۹)؛ «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند».

در این آیه شریفه، کلمه لنت به معنای نرمی و لطافت به کار رفته است. خداوند متعال به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رماید: خدا تو را نرمخوی و مهربان قرار داد و این صفت تو باعث شد که مردم به پیرامون تو گرد آیند و به دین مقدس اسلام ایمان بیاورند. در سوره مبارکه کهف آمده است: ﴿وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوًا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا﴾ (کهف: ۱۶)؛ «و (به آنها گفتیم): هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌ستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می‌سازد!»

در این آیه شریفه که درباره داستان اصحاب کهف است، واژه مرفقا به معنای آرامش آماده است.

در روایات نیز واژه رفق و مدارا تقریباً در همان معنای لغوی خود به کار رفته‌اند؛ در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «لَا تَحْمِلُوا عَلَيَّ شَيْعَتَنَا وَارْفُقُوا بِهِمْ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۳۴/۸)؛ «بر شیعیان ما چیزی را تحمیل نکنید و با آنها با رفق برخورد نمایید». و در روایت دیگری آمده است: «وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكَلِّمُهُم بِالْمُدَارَاةِ...» (نوری، ۱۳۲۰: ۳۶/۹)؛ «با مخالفان به روش مدارا برخورد نمایید».

در این دو روایت و روایات متعدد دیگر، رفق و مدارا در همان معنای لغوی خود یعنی نرمی و مهربانی به کار رفته است، منتها با این تفاوت که واژه رفق درباره دوستان و شیعیان استعمال شده است و واژه مدارا درباره مخالفان؛ البته این کاربرد کلیت ندارد و در برخی از موارد، این دو واژه در معنایی عام به کار می‌روند که هم شامل معنای رفق می‌شود و هم شامل معنای مدارا. به عنوان مثال در روایت: «إِنَّا أُمِرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْنَا بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۳۹/۴)؛ «ما گروه پیامبران مأمور به مدارای با مردم هستیم همانطور که مأمور به انجام واجبات هستیم». و روایت «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا فَآمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَالرَّفْقِ» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۳۸/۴)؛ (به درستی که خداوند عزوجل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برانگیخت و به او را به صبر و رفق امر نمود». رفق و مدارا در معنایی وسیع به کار رفته که هم شامل دوستان می‌شود و هم مخالفان. اما این معنای عام، در روایات کمتر استعمال شده است و در غالب موارد رفق درباره دوستان و مدارا درباره مخالفان به کار می‌رود.

تفاوت مدارا و مداهنه

واژه مداهنه، در اصل به معنای «نرمی و سهولت» آمده است و به همین خاطر، روغن را دهن گویند و ادهان و مداهنه به معنای «نرمش و سازش» است (ابن فارس، بی‌تا: ۳۰۸/۲)، و معمولاً درباره سازشکاری منافقانه و مذموم به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که برای رسیدن به منافع شخصی، بخشی از حق و حقیقت، مورد معامله قرار گیرد (طبرسی، ۱۴۰۶: ۵۰۱/۱۰؛ طریحی، ۱۴۰۳: ۲۵۰/۶). مداهنه و سازشکاری از نظر عقل و شرع، کاری ناپسند و

مذموم است، ولی رفق و مدارا پسندیده و ممدوح می باشد؛ محدوده عفو و مدارا، در امور شخصی است، ولی مدهنه و سازشکاری درباره مسائل مربوط به اصول و ارزش های دینی و دفاع از حق و عدالت می باشد.

جایگاه رفق و مدارا در زندگی اجتماعی از منظر روایات

روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بر جایگاه ویژه اصل رفق و مدارا در زندگی آدمی دلالت دارند و به خوبی نشان می دهند که رشد و بالندگی یک جامعه در سایه رعایت اصل رفق و مدارا امکان پذیر می گردد و دستیابی به یک زندگی آرام و مطلوب، بدون در نظر داشت این اصل، غیر ممکن یا حد اقل بسیار سخت و دشوار است؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به حضرت علی عَلِيٌّ می فرماید: «يَا عَلِيُّ! إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تَبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ فَإِنَّ الْمُئْتَبِتِ... لَا ظَهْرًا أَبْقَى وَلَا أَرْضًا قَطَعَ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۸۷/۲)؛ یا علی! این دین، دین استوار و محکمی است. از این رو، با رفق و نرمی در آن سیر کن و عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن که زیاده رو و افراط کار نه مرکب خود را سالم باقی می گذارد و نه راه را طی می کند.

این روایت به روشنی بیان می کند که عدم رعایت اصل رفق و مدارا، نه تنها موجب شکست فرد در رسیدن به اهدافش می گردد، بلکه وسیله و ابزار وی برای رسیدن به هدف را نیز از میان می برد و نابود می کند.

امام صادق عَلِيٌّ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می کند که آن حضرت فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَمَّ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ يَخْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ» (همان: ۱۱۶)؛ «سه چیز است که هرکه نداشته باشد، هیچ کارش تمام نیست: پرهیزکاری که او را از نافرمانی خدا باز دارد، و خلقی که به سبب آن با مردم بسازد و بردباری که نادانی نادان را با آن رد کند».

امام باقر عَلِيٌّ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ» (همان ص ۱۱۸)؛ «خداوند عزوجل ملایم است و ملایمت را دوست دارد و پاداش به ملایمت می دهد به خشونت و سخت گیری نمی دهد».

از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که آن حضرت فرمود: «إِنَّ فِي الرِّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبِرْكَهَ وَ مَنْ يُحْرِمِ الرِّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ» (همان: ۱۱۹)؛ «در نرمی زیادی و برکت است و هرکه از نرمی محروم شد از خیر محروم گشته است».

باز هم امام باقر عَلِيٌّ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می کند که آن حضرت فرموده است: «إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نُزْعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۴۹۸/۲)؛ «نرمی روی هرچه گذاشته شد، آن را زینت داد و از هرچه برداشته شد، زشتش ساخت».

امام صادق عَلِيٌّ می فرماید: «مَا زُوِيَ الرِّفْقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا زُوِيَ عَنْهُمْ الْخَيْرُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۱۹/۲)؛ لطافت و نرمی از اهل خانه ای برداشته نشد، مگر خیر و نیکی از آنها رخت بر بست.

باز هم امام صادق عَلِيٌّ می فرماید: «أَيُّمَا أَهْلِ بَيْتٍ أُعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرِّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَ الرِّفْقِ فِي تَقْدِيرِ المَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي المَالِ وَ الرِّفْقُ لَا يَعْجُزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبَذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۰/۱۵)؛ «هر خانواده‌ای که بهره خود را از نرمی و لطافت گرفت، خدا روزی ایشان را وسعت داد و نرمی در تقدیر معیشت (اقتصاد و میانه‌روی در خرج) از وسعت مال بهتر است، و با میانه‌روی درماندگی نباشد و با ولخرجی چیزی باقی نماند، همانا خدای عزوجل نرم و مهربان است و نرمی را دوست دارد».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اعْلَمَنَّ أَنَّ رَأْسَ العَقْلِ بَعْدَ الإِيْمَانِ بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۴/۴)؛ «بدان که رأس عقل بعد از ایمان به خدا عزوجل، مدارا کردن با مردم می‌باشد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ... وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ» (همان: ۳۹۴)؛ «عاقل‌ترین مردم کسی است که با آنها بیشتر از همه مدارا می‌کند و پست‌ترین مردم کسی است که به مردم بیستراحت می‌کند».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الرِّفْقُ مِفْتَاحُ الصَّوَابِ وَ شِيمَةُ ذَوِي الأَلْبَابِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۳)؛ «ملايقت، کلید درستی و روش خردمندان است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلاَّ كَانَ أَحَدُهُمَا أَجْرًا وَ أَحَبُّهُمَا إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَزْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۱۲۰/۲)؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ دو نفری با هم رفاقت و همدمی نکنند، جز آن‌که نرمیش با رفیقش بیشتر است، نزد خدای عزوجل پاداشش بزرگ‌تر و محبوبیتش بیشتر است».

این روایات با صدای بسیار رسا، جایگاه خاص و ویژه رفق و مدارا را در زندگی اجتماعی آدمیان بیان می‌کنند و هرکدام با تعبیری خاص خود، نشان می‌دهند که این اصل در رشد و بالندگی مادی و معنوی افراد یک جامعه نقش اساسی و کلیدی دارد. تجربه بشری نیز همین مطلب را تأیید می‌کند و بیان می‌دارد که آدمی بدون خصلت رفق و مدارا نمی‌تواند در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود موفق بوده باشد؛ خشک و خشن بودن در خانه، کانون خانواده را به پایگاه نظامی تبدیل می‌کند؛ در بیرون از محیط خانه و محل کسب و کار نیز کارساز نمی‌باشد و موجب دل‌سردی دوستان و رنجش همسایگان می‌گردد.

رفق و مدارا در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان اسوه کامل انسان‌ها، در تمام دوران زندگی خویش بیش‌ترین لطف و محبت را نسبت به مردم داشت و خوش‌برخوردترین و باگذشت‌ترین انسان‌ها نسبت به خلق خدا بود. آن حضرت مأمور شده بود که با مردم با رفق و مدارا برخورد نماید و نسبت به مردم مهربورز باشد؛ ایشان در این باره می‌فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الفَرَائِضِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۰/۱۲)؛ پروردگارم مرا به مدارای با مردم فرمان داده همچنان که به ادای واجبات فرمانم داده است.

راوی می‌گوید، از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «جَاءَ جَبْرِئِيلُ علیه السلام إِلَى

النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُفْرِتُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارِ خَلْقِي» (کلینی، همان: ۱۱۶؛ و حر عاملی: همان)؛ «جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: با مخلوقم مدارا کن».

پیامبر اکرم ﷺ با رعایت این اصل توانست در کم‌رین‌زمان جامعه آن روز را که مظهر خشونت و کینه و دشمنی بود، متحول سازد و دل‌ها را مجذوب خویش ساخته و بزرگترین تحول فرهنگی را در جزیره العرب به وجود آورد؛ زیرا بدون رفق و مدارا تحقق چنین امر مهمی امکان‌پذیر نبود. قرآن کریم خود به این نکته تصریح نموده و می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)؛ «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش! (و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد».

این آیه شریفه، یکی از علل موفقیت پیامبر اکرم ﷺ را نرم‌ویی و مدارای آن حضرت می‌داند و می‌فرماید ای پیامبر! اگر درشت‌خو و سنگدل می‌بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌دند و به تو ایمان نمی‌آوردند.

رفق و مدارا و گذشت و عفو در سیره آن حضرت آن قدر فراگیر بود که با آنانی که سال‌ها با او دشمنی کرده و کینه ورزیده بودند، هرگونه ظلم و ستم و غارت نسبت به پیامبر ﷺ و یارانش انجام دادند، عموی بزرگوار آن حضرت را با آن وضع دلخراش به شهادت رساندند. اما در روز فتح مکه با آن‌که پرچم اسلام در دست سعد بن عباده بود و این رجز را می‌خواند: «اليوم يوم الملحمة اليوم تستحل الحرمة؛ امروز روز جنگ و کشتار و انتقام است. امروز روز کسته شدن حرمت‌ها است». اما پیامبر اکرم ﷺ، علی علیه السلام را مأمور کرد تا پرچم اسلام را از سعد ابن عباده بگیرد و وارد شهر مکه شود. فرمود: «اليوم يوم المرحمة؛ امروز روز رحمت و مهربانی است». در آن روز که همه چشم‌ها به پیامبر رحمت ﷺ دوخته شده بود، فرمود: «یا معشر قريش ما ترون اني فاعل فيكم؛ ای جمعیت قريش تصور می‌کنید من با شما چه رفتاری انجام دهم». عرض کرد جز نیکی در تو سراغ نداریم فرمود: «اذهبوا انتم الطلقاء؛ بروید، همه آزاد هستید» (ابن هشام، بی‌تا: ۲۷۵).

آری او پیامبر رحمت بود و نسبت به مردم با بزرگواری و مهربانی رفتار می‌کرد. بدرفتاری و بی‌حرمتی به خود را نادیده می‌رفت و از خطای دیگران به راحتی می‌گذشت. کینه کسی را در دل نگه نمی‌داشت. در صدد انتقام بر نمی‌آمد. عفو و بخشش را بر انتقام ترجیح می‌داد. عذرخواهی افراد را به راحتی می‌پذیرفت. حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام در این باره می‌فرماید: «كان رسول الله اجود الناس كفا و اكرمهم عشرة (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱۷)، يقبل معذرة المعتذر اليه (طباطبایی، بی‌تا: ۷۵)، ولا يجزي السيئة بالسيئة و لكن يعفو و يصفح (همان). يصبر للغريب على الجفوة في منطقه و



مساکنه» (طبرسی، ۱۳۸۱: ۶۷)؛ رسول خدا از همه بخشنده‌تر و از همه مردم در معاشرت بزرگوarter بود. عذرخواهی را که از او معذرت می‌طلبید قبول می‌فرمود. هرگز بدی را با بدی پاسخ نمی‌گفت بلکه از بدی‌ها و سیئه مردم در می‌گذشت. در برابر جفا و تندی دیگران با بزرگواری برخورد می‌کرد. نمونه‌های فراوانی از رفق و مدارای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دیگران در منابع تاریخی گزارش شده است که ما به دلیل رعایت اختصار از نقل آنها صرف نظر می‌کنیم و جویندگان به منابع تاریخی ارجاع می‌دهیم.

جامعه اسلامی به‌ویژه رهبران و نخبگان جامعه که ادعای پیروی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارند باید روش پیامبرآفت و رحمت را در پیش‌گیرند و رفق و مدارا را سرلوحه زندگی خویش قرار داده و در امور شخصی از خطا دیگران در گذرند و به خاطر منافع شخصی جامعه را به سوی فقر و فساد و اختلاف و جنگ سوق ندهند؛ مشکل اصلی جامعه ما این است که منافع شخصی حاکم بر منافع ملی و دینی است و غالباً موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس منافع شخصی صورت می‌گیرند، نه منافع ملی و مذهبی. تا زمانی که این نگاه در جامعه وجود داشته باشد، جامعه به سوی رشد و تعالی سوق داده نخواهد شد و مردم آن، روی خوشبختی و سعادت را نخواهند دید. اگر بزرگان و نخبگان جامعه ما دغدغه ارزش‌های دینی و مشکلات مردم خویش را دارند، به پیامبر رحمت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقتدا کنند و در این شرایط بسیار حساس و سرنوشت‌ساز با اغماض و چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات دیگران نسبت به خویش، دست به دست هم دهند و برای نجات مردم عزیز افغانستان بویژه شیعیان این سرزمین راهکار درست و موضع‌گیری صحیحی را اتخاذ کنند.

سخن پایانی

از مجموع آنچه گذشت می‌توان دریافت که اصل رفق و مدارا در مناسبات و روابط صحیح اجتماعی افراد یک جامعه نقش اساسی و مبنایی دارد و سازنده‌ترین عنصر در رشد و بالندگی یک جامعه می‌باشد؛ اصلی که افزون بر آیات و روایات، سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بر حیاتی بودن آن تأکید دارند و بیان می‌دارند که بر همگان ضروری است که با دیگران، با نرمی و لطافت برخورد کنند و صمیمی باشند. اگر در جوامع اسلامی، این اصل دینی و اجتماعی رعایت شود، بسیاری از ناملایمت‌ها، جنگ‌ها، کدورت‌ها و نازیبایی‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه برطرف و کشور به گلستانی از صفا و صمیمیت تبدیل می‌گردد و مردم با اعصاب آرام، رفتار خوش و زندگی بی‌دغدغه به کار خود ادامه می‌دهند و با کمال آسودگی و آسایش در کنار یکدیگر، زندگی خواهند نمود. آری، تنها در این صورت است که زمینه رشد و کشور جامعه اسلامی فراهم گردیده و کرامت خویش را باز یافته و از مشکلات اجتماعی و اقتصادی رهایی خواهند یافت.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت، دارالجيل، بی تا.
۳. ابن منظور، **لسان العرب**، سوم، چاپ بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن هشام، **السيرة النبویه**، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
۵. آمدی، عبدالواحد بن تمیمی، **غررالحکم**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العين**، نشر هجرت، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
۷. دهخدا، **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۸. راغب اصفهانی، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفة.
۹. شیخ صدوق، **کتاب من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، **سنن النبی**، قم، انتشارات همگرا، بی تا.
۱۱. طبرسی، رضی الدین، **مکارم الاخلاق**، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۸۱ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۱۳. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. عاملی، حر، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۵. فلسفی، محمدتقی، **شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۶. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۸ش.
۱۷. کاشانی، محمد بن الرتضی (مولی محسن)، **المحجة البیضاء**، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، انتشارات تهران، دارالکتب السلامیة، ۱۳۶۳ش.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ش.
۲۱. محدث نوری، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۲۲. محمد بن یعقوب کلینی، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۲۳. مطلبی، ابوالحسن، **سیره نبوی**، تهران، انتشارات کلیدر، ۱۳۸۰ش.

